

بسم الله الرحمن الرحيم
مطالعه تطبیقی مجازات اعدام در قوانین کشورهای اسلامی

چکیده:

بررسی مجازات اعدام به عنوان یکی از مصادیق سلب کننده حق حیات، همواره یکی از مهم ترین دغدغه های حقوق بشری بوده است. و بر همین اساس، بررسی آن در قوانین اساسی و قانون مجازات کشورهای اسلامی هم فی نفسه و هم با عنایت به نوع و میزان تأثیرپذیری این کشورها از رویکردهای عرفی حقوق بشری یا موازین اسلامی از بایسته های مطالعات حقوق بشری است. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش کلیدی است که کشورهای اسلامی در خصوص «مجازات اعدام» چه رویکردی را مورد توجه قرار داده اند. این تحقیق مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه ای و اسنادی سامان یافته است. یافته های مقاله نشان می دهد که میزان اهتمام به حقوق و آزادی ها و نوع مواجهه با آنها در میان کشورهای اسلامی، نسبت مستقیمی با رابطه دین و دولت دارد؛ هرچند دوگانه عرف و شرع در مقوله حق بر حیات در قوانین اساسی و قانون مجازات کشورهای اسلامی، بازتاب های متفاوتی داشته است. در خصوص مجازات اعدام در حالی که رویکردهای افراطی (تجویز حداکثری) از یک سو و رویکردهای تفریطی (ممنوعیت حداکثری) از سوی دیگر، در برابر هم صف آرای شده اند، الگوی غالب پذیرفته شده در کشورهای اسلامی، در این خصوص همسو با نظام حقوق بشر عرفی و سکولار و متأثر از رویکرد واگرایی دین و دولت است، هرچند با قدرت گرفتن همگرایی دین و دولت در برخی کشورهای اسلامی، مقاومت های جدی در خصوص پایبندی به نصوص دینی قابل پیش بینی است.

کلیدواژه: حقوق بشر، قوانین اساسی، حق بر حیات، اعدام، کشورهای اسلامی

A comparative study of the death penalty in Islamic countries' laws

Abstract:

Investigating the death penalty as one of the examples of depriving the right to life has always been one of the most important concerns of human rights. And on this basis, examining it in the constitutions and criminal laws of Islamic countries, both in itself and with regard to the type and degree of influence of these countries from the customary approaches of human rights or Islamic standards, is one of the requirements of human rights studies. This article seeks to answer the key question that Islamic countries have taken into consideration regarding "death penalty". This research is based on the descriptive-analytical method and is organized on the basis of library and document studies. The findings of the article show that the level of concern for rights and freedoms and the type of encounter with them among Islamic countries has a direct relationship with the relationship between religion and the state; However, the duality of custom and Sharia in the category of right to life in the basic laws and the penal code of Islamic countries has had different reflections. Regarding the death penalty, while extreme approaches (maximum permitting) on one hand and excessive approaches (maximum prohibiting) on the other hand, have lined up against each other; The dominant model accepted in Islamic countries, in this regard, is in line with the system of customary and secular human rights and is influenced by the approach of the divergence of religion and the state. However, with the strengthening of the convergence of religion and government in some Islamic countries, serious resistances regarding adherence to religious texts can be predicted.

Keywords: human rights, constitutional laws, right to life, death penalty, Islamic countries

۱. مقدمه

موارد سالب حق حیات که در صدر فهرست حق‌های بنیادین بشر قرار دارد، عبارت‌اند از مجازات اعدام، اسقاط جنین، خودکشی، اوتانازی یا به مرگی، مرگ‌های ناشی از مخاصمات مسلحانه، نسل‌کشی و ... مقاله حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی سامان‌یافته است، با تمرکز بر مجازات اعدام، قوانین اساسی کشورهای اسلامی و در پاره‌ای موارد قانون مجازات این کشورها را با هدف نوع تأثیرپذیری این کشورها از رویکردهای عرفی حقوق بشری یا موازین اسلامی بررسی کرده است. به دلیل محدودیت‌های موجود، از میان کشورهای اسلامی، ۲۵ کشور (تقریباً نیمی از آن‌ها) که از اهمیت بیشتری (به دلیل یک یا چند مؤلفه وسعت، جمعیت، موقعیت، ثروت، قدرت سیاسی یا نظامی، منطقه جغرافیایی) برخوردار بوده‌اند از سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا گزینش شده‌اند!

جدول زیر که برگرفته از تارنمای سازمان همکاری اسلامی است، ۱۰ کشور اسلامی را به ترتیب وسعت، نشان می‌دهد.

ترتیب	کشور	مساحت به کیلومتر	ملاحظه
۱	قزاقستان	۲/۷۱۷/۳۰۰	پهناورترین کشور در جهان اسلام
۲	الجزایر	۲/۳۸۱/۷۴۱	پهناورترین کشور عربی و آفریقایی
۳	عربستان سعودی	۲/۱۴۹/۶۹۰	پهناورترین کشور خاورمیانه
۴	اندونزی	۱/۹۱۹/۴۴۰	
۵	سودان	۱/۸۶۵/۸۱۳	
۷	ایران	۱/۶۴۸/۱۹۵	دومین کشور بزرگ خاورمیانه
۱۵	پاکستان	۸۸۱/۹۱۳	
۱۷	ترکیه	۷۸۰/۵۸۰	
۲۵	عراق	۴۳۷/۰۷۲	
۲۶	مالزی	۳۲۹/۷۵۰	

^۱ این کشورها عبارتند از: آذربایجان، آلبانی، اردن، ازبکستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، ایران، بحرین، پاکستان، ترکیه، تونس، سوریه، سودان، عراق، عربستان، عمان، قطر، کویت، لبنان، لیبی، مالزی، مراکش، مصر، نیجریه.

کشور لیبی با آنکه مطابق جدول سازمان همکاری اسلامی، با مساحت ۱/۷۵۹/۵۴۰ ششمین کشور به لحاظ وسعت در جهان اسلام است، اما با توجه به جنگ داخلی این کشور و وضعیت نامعلوم آن، در این بررسی لحاظ نشده است در حالی که کشورهای پاکستان، ترکیه، عراق و مالزی، هر چند مساحتی کمتر از موریتانی دارند، به دلیل موقعیت و اهمیت آن‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

میزان اهتمام به تضمین حقوق و آزادی‌ها و نحوه مواجهه کلی با آن‌ها از این جهت قابل تأمل است که کشورهای اسلامی، در ارتباط با رابطه دین و دولت به دو گروه کشورهای سکولار و غیرسکولار تقسیم می‌شوند. در گروه دوم، همگرایی دین و دولت در کشورها تابع الگوهای یکسانی نیست و بسته به میزان تعهد دولت‌ها به آموزه‌های دینی، از شدت و ضعف برخوردار است. در غالب کشورهای اسلامی از آنجاکه اسلام به عنوان دین رسمی پذیرفته شده، دست کم همگرایی دین با حوزه‌هایی از حکومت همچون قانون‌گذاری مورد توجه قرار گرفته است. در میان کشورهای اسلامی، چهار کشور ایران، الجزایر، عربستان سعودی و پاکستان، به شکل متمایزی رابطه دین و دولت را در قانون اساسی خود، بازتاب داده‌اند. قانون اساسی تونس نیز در تازه‌ترین بازنگری خود در سال ۲۰۲۲ در فصل پنجم، تونس را بخشی از امت اسلامی دانسته و دولت را موظف کرده است که در راستای تحقق اهداف اسلام در صیانت از جان و آبرو و مال و دین و آزادی، عمل کند. در نقطه مقابل، کشورهای آذربایجان، آلبانی، ازبکستان، ترکیه، لبنان و نیجریه، بر واگرایی دین و دولت تأکید دارند. به عنوان مثال مطابق بند ۱ اصل هفتم قانون اساسی آذربایجان، «حکومت آذربایجان، جمهوری یکپارچه، غیر دینی، قانونی و دمکراتیک است». بند ۱ اصل هیجدهم همین قانون نیز تصریح می‌کند که دین از دولت جداست.

در مقوله حقوق بشر در کشورهای اسلامی کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر شده است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب «حقوق اساسی تطبیقی (حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی)» از عباسعلی عمید زنجانی، کتاب «کشورهای اسلامی و حقوق بشر: چالش‌های حقوق بشر در جهان اسلام» از محمد حسین مظفری، کتاب «حقوق اساسی کشورهای اسلامی» از اسماعیل آجرلو، کتاب «حقوق اساسی کشورهای اسلامی» از ابراهیم موسی زاده، کتاب «حقوق اساسی کشورهای اسلامی مالزی، مصر و عراق» از هدی غفاری، کتاب «شریعت و تقنین در کشورهای اسلامی ایران، عربستان و پاکستان» از سید ابراهیم حسینی، کتاب

«سیستم‌های حقوقی کشورهای اسلامی» از محمد رضا ظفری، مقاله «بررسی و جایگاه حقوق بشر در جهان اسلام» از حمید رضا کریمی، مقاله «حق حیات انسان در اسلام» از سید باقر محمدی، مقاله «حقوق بشر اسلامی در مقایسه با حقوق بشر غربی: جهان شمولی یا نسبی گرایی» از علی محمد فلاح زاده و سید طه موسوی، مقاله حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولت‌های اسلامی خاورمیانه با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» از امیر ساجدی، مقاله «تحلیل معیارهای تحدید آزادی در دو نظام حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی» از حسین جوان آراسته و برخی مقالات دیگر. وجه تمایز این مقاله با پژوهش‌های پیشین، تمرکز بر رویکرد قوانین اساسی کشورهای اسلامی به مجازات اعدام به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق سلب‌کننده حق بر حیات و واکاوی این امر است که این کشورها در این مقوله، چه رویکردی را معیار قرار داده‌اند. درحالی‌که تحقیقات پیشین همان‌گونه که از عناوین آن‌ها پیداست، به صورت کلی حقوق اساسی کشورهای اسلامی را با یکدیگر یا با حقوق کشورهای غیر اسلامی بررسی کرده و یا به مقایسه حقوق بشر اسلامی و عرفی در وجه عام آن پرداخته‌اند. متن مقاله و نیز تفاوت در یافته‌ها و نتایج به‌وضوح نشان‌دهنده بدیع بودن این پژوهش می‌باشد.

مقاله ابتدا با نیم‌نگاهی به حق حیات در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، موضع کلی کشورهای اسلامی نسبت به آن را گزارش می‌کند و سپس یکی از مهم‌ترین مصادیق سلب حیات که «مجازات اعدام» است را در دو ساحت اسناد بین‌المللی و قوانین کشورهای اسلامی (قوانین اساسی و قوانین کیفری) را بررسی و از این رهگذر، موضع‌گیری کشورهای اسلامی در برابر مجازات اعدام را تحلیل می‌کند.

۲. حق حیات (در اسناد بین‌المللی و کشورهای اسلامی)

حق حیات بنیادین‌ترین حق انسانی است و دیگر حقوق پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر متوقف بر آن است. به‌موجب ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر کس حق دارد از زندگی و آزادی و امنیت شخصی خویش برخوردار باشد. اهمیت این حق تا بدان جا است که حتی در شرایط اضطراری نیز نمی‌توان آن را نقض کرد در حقیقت به تصریح بخش دوم ماده ۴ میثاق حقوق مدنی سیاسی حتی در موارد اضطراری کشورها نمی‌توانند به بهانه اینکه حیات و بقا و ملت در معرض تهدید است حق حیات افراد را نقض کند. ماده ۶ میثاق حقوق مدنی سیاسی به تفصیل از حق حیات

این گونه سخن می‌گوید: حق حیات در حالت‌های مختلفی ممکن است مورد مخاطره قرار گیرد پیش‌بینی نکردن مقررات لازم در برخورد با کسانی که حق حیات دیگران را مورد تعرض قرار می‌دهند می‌تواند به نوعی نقض حیات قربانی باشد همچنین عدم حمایت دولت از افراد و یا گروه‌های در معرض تهدید و یا باز گذاشتن دست گروه‌ها و افراد و یا گروه‌های در معرض تهدید و یا باز گذاشتن دست گروه‌ها و افراد خاصی در تعرض به حیات دیگران جلوه‌ای از نقض حق حیات است؛ بنابراین به تصریح میثاق حقوق مدنی - سیاسی دولت‌ها مکلف هستند تمهیداتی را در جهت پاسداری از حق حیات تمام شهروندان فراهم کنند.^۲

عموم کشورهای اسلامی مانند آلبانی^۳، ازبکستان^۴، الجزایر^۵، اندونزی^۶، ایران^۷، پاکستان^۸، ترکیه^۹، تونس^{۱۰}، سودان^{۱۱}، عراق^{۱۲}، عمان^{۱۳}، مالزی^{۱۴}، مراکش^{۱۵} و نیجریه^{۱۶} به حق حیات به‌عنوان حق مسلم هر انسان که باید مورد حمایت قانون قرار گیرد، تصریح کرده‌اند.

حق بر حیات، مستلزم ایجاد محدودیت‌های جدی در مواردی است که این حق از انسان‌ها سلب می‌شود.

^۲ سیدمحمد قاری سیدفاطمی، «حق حیات»، تحقیقات حقوقی، ش ۳۱-۳۲ (۱۳۷۹)، ص ۱۵۰-۱۵۱.

^۳ قانون اساسی آلبانی، اصل ۲۱.

^۴ قانون اساسی ازبکستان، اصل ۲۴.

^۵ قانون اساسی الجزایر، اصل ۳۸.

^۶ قانون اساسی اندونزی، بند الف اصل ۲۸.

^۷ قانون اساسی ایران، اصل ۲۲.

^۸ قانون اساسی پاکستان، اصل ۹.

^۹ قانون اساسی ترکیه، اصل ۱۵.

^{۱۰} قانون اساسی تونس، فصل ۲۲.

^{۱۱} قانون اساسی سودان، اصل ۴۴.

^{۱۲} قانون اساسی عراق، اصل ۱۵.

^{۱۳} قانون اساسی عمان، اصل ۱۸.

^{۱۴} قانون اساسی مالزی، اصل ۵.

^{۱۵} قانون اساسی مراکش، اصل ۲۰.

^{۱۶} قانون اساسی نیجریه، اصل ۲۳.

۳. ممنوعیت یا محدودیت مجازات اعدام

از جمله مصادیق مهم سلب حق بر حیات، مجازات اعدام است که در کنار برخی دیگر از موارد مانند اسقاط جنین، مرگ آسان، خودکشی و کشتار دسته‌جمعی حائز اهمیت است. نسبت به اعدام، رویکردهای مختلفی توسط کشورهای اسلامی اتخاذ شده است که در ادامه مورد واکاوی قرار خواهد گرفت؛ پیش از آن لازم است به وضعیت این مجازات در اسناد بین‌المللی اشاره گردد تا در ادامه که رویکرد برخی کشورها همسو با نظام عرفی و بین‌المللی معرفی می‌شود، مقصود از آن روشن باشد.

۳-۱. در اسناد بین‌المللی

ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ضمن آن که حق حیات را از حقوق ذاتی شخص انسان دانسته، مقرراتی را در جهت اعمال محدودیت بر مجازات اعدام وضع کرده است تا حمایت بیشتری از این حق در برابر اقدامات دولت‌ها به عمل آورد. در بند ۱ ماده ۶ میثاق، محروم نمودن خودسرانه (بدون مجوز) انسان از حق حیات ممنوع و در بند ۲ همین ماده، صدور حکم اعدام جز در مورد مهم‌ترین جنایات و به موجب حکم قطعی صادر از دادگاه صالح، ممنوع شده است. بند ۵ نیز صدور و اجرای حکم اعدام برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال و زنان باردار را به طور کلی ممنوع اعلام کرده است.

در همین راستا، نظریه تفسیری شماره ۳۶ کمیته حقوق بشر مصوب ۳۰۱۸ به شرح و تفسیر ماده ۶ میثاق پرداخته است؛ ماده ۵۰ این نظریه تفسیری، تصریح می‌کند که مجازات اعدام با احترام کامل به حق زندگی قابل تطبیق نیست و لغو آن، هم مطلوب است و هم برای ارتقای کرامت انسانی و توسعه مترقی حقوق بشر ضروری است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز هشتمین قطعنامه برای توقف مجازات اعدام را در روز ۱۶ دسامبر سال ۲۰۲۰ با رأی موافق تصویب کرد.

این مقاله در صدد بررسی و تحلیل اسناد فوق و نیز دلایل موافقان و مخالفان مجازات اعدام نیست. اختلاف نظرهای فلسفی، اخلاقی، مذهبی و حقوقی در این زمینه فراوان و دامنه آن از گذشته تا به

^۱General comment No. 36 (2018) on article 6, 2018.

حال کشیده شده است. در مغرب زمین نیز صاحب‌نظرانی که با رویکرد اخلاقی به موضوع نظر داشته‌اند در مورد این مجازات، اختلاف دارند؛ این اختلافات را می‌توان در کتاب مباحث جاری اخلاق کاربردی اثر کوهن و ولمن^۸ مشاهده کرد. به لحاظ عملی نیز رویکرد کشورهای متفاوت بوده است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا تا لغو چنین مجازاتی از نظام کیفری خود پیشرفته‌اند، در حالی که کشورهای بزرگی چون آمریکا و چین و طیف گسترده‌ای از کشورهای اسلامی همچنان بر ابقای این مجازات پافشاری دارند ضمن آن که آموزه‌های مذهبی مجازات مرگ را در خصوص برخی جرائم، کاملاً انسانی و اخلاقی می‌دانند.

۲-۳. موضع سازمان همکاری اسلامی

در ارتباط با موضوعات حقوق بشری و از جمله اعدام، سازمان همکاری اسلامی شاهد تحول قابل توجهی بوده است. به موجب بند الف ماده ۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر معروف به اعلامیه قاهره که در سال ۱۹۹۱ مورد پذیرش سازمان همکاری کشورهای اسلامی قرار گرفت، کشتن هیچ انسانی بدون مجوز شرعی جایز نیست. مفاد این ماده به روشنی دلالت دارد که در شرع مقدس، تجویز قتل در مواردی صورت گرفته است و فراتر از آن مجاز نمی‌باشد. به موجب مواد ۲۴ و ۲۵ همین اعلامیه، شریعت اسلام، تنها مرجع صالح برای تفسیر حقوق مندرج در این سند می‌باشد. در ۲۸ نوامبر سال ۲۰۲۰ میلادی، «اعلامیه حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی (اعلامیه جدید)» به تصویب رسید و عنوان اعلامیه اسلامی حقوق بشر به اعلامیه حقوق بشر سازمان تغییر یافت. در مقدمه سند جدید بر ضرورت پایبندی کشورهای اسلامی بر تعهدات بین‌المللی حقوق بشری تأکید شده و حق‌های بشر، جهانی و غیر قابل تفکیک توصیف شده است. مطابق ماده ۲ اعلامیه جدید، - که به گونه‌ای الگوبرداری از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل الحاقی آن است، محرومیت‌های خودسرانه از حق حیات منع شده (بند الف) و مجازات اعدام جز در جرائم بسیار مهم و مطابق با قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جرم و رأی دادگاه صالح باشد، تجویز نشده است (بند ب)؛ ضمن آن که صدور حکم اعدام نسبت به نابالغان و اجرای و این حکم نسبت به زنان باردار و شیرده منع شده است (بند د). با اندک تأملی میزان تأثیرپذیری ماده ۲ اعلامیه جدید از ماده ۶

^۸ Andrew Cohen and Christopher Heath Wellman.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، روشن می‌شود. افزون بر آن، به‌موجب ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی (جدید)، هیچ‌یک از مواد منصوص در این اعلامیه جایز نیست به‌گونه‌ای تفسیر شوند که حقوق و آزادی‌هایی را که قوانین ملی برای دولت‌های عضو در نظر گرفته‌اند، نقض کنند یا ناقض التزامات دولت‌های عضو نسبت به معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای نسبت به حقوق بشر باشند. مقایسه میان این ماده و مواد ۲۴ و ۲۵ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای را با هدف همسویی و انطباق هرچه بیشتر با اسناد بین‌المللی حقوق بشری نشان می‌دهد.

۳-۳. مجازات اعدام در کشورهای اسلامی

قطع نظر از رویکرد سازمان همکاری اسلامی و تفاوت‌های دو اعلامیه اسلامی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی، اکنون نیم‌نگاهی به نوع مواجهه کشورهای اسلامی با مجازات اعدام می‌کنیم تا روشن شود که در میانه اسناد بین‌المللی حقوق بشر و دو اعلامیه سازمان همکاری اسلامی، این کشورها به چه سمت و سوی متمایل شده‌اند. بسیاری از کشورهای اسلامی ضمن تأکید بر صیانت از حق حیات، در قانون اساسی خود، سلب این حق را در مواردی به رسمیت شناخته‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان از جمهوری اسلامی ایران^{۱۹}، الجزایر،^{۲۰} پاکستان،^{۲۱} تونس،^{۲۲} عراق،^{۲۳} نیجریه^{۲۴} و سودان^{۲۵} نام برد. قانون اساسی سوریه هرچند در این مورد ساکت است اما قانون مجازات این کشور در ماده ۳۷ مجازات اعدام را برای برخی جرائم در نظر گرفته است. اردن نیز در ماده ۱۴ قانون مجازات خود، مجازات اعدام را به رسمیت شناخته است. برخی کشورهای اسلامی مانند جمهوری آذربایجان، افزون بر موارد مصرح در قانون، حق حیات را در مورد انهدام سربازان دشمن، جنایات سنگین علیه حکومت و یا حیات فرد، نیز

^{۱۹} قانون اساسی ایران، اصل ۲۲.

^{۲۰} قانون اساسی الجزایر، اصل ۳۸.

^{۲۱} قانون اساسی پاکستان، اصل نهم از فصل اول از بخش دوم.

^{۲۲} قانون اساسی تونس، فصل ۲۴.

^{۲۳} قانون اساسی عراق، اصل ۱۵.

^{۲۴} قانون اساسی نیجریه، اصل ۳۳.

^{۲۵} قانون اساسی سودان، اصل ۵۴.

استثنا کرده‌اند.^{۲۶} مطابق بند یک اصل ۳۳ قانون اساسی نیجریه، هیچ‌کس را نمی‌توان عمداً از زندگی خود محروم کرد، مگر در اجرای حکم دادگاه در رابطه با یک جرم جنایی که در نیجریه مجرم شناخته شده است. در سال ۲۰۰۰ قطر و مالزی دوباره مجازات اعدام را در نظام کیفری خود قرار دادند.

قانون اساسی سودان در این خصوص، منحصر به فرد است. مطابق اصل ۵۴ قانون اساسی این کشور، محدودیت‌های مجازات اعدام در موارد زیر مشخص شده است:

۱. اعمال مجازات اعدام جایز نیست مگر در مورد قصاص یا حد شرعی یا به‌عنوان کیفر نسبت به جرائم بسیار جدی به‌موجب قانون؛

۲. اعمال مجازات اعدام بر کسی که سن او هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال باشد، جایز نیست؛

۳. اعمال مجازات اعدام در غیر جرائم مربوط به قصاص و حدود، بر کسی که سن او بالغ بر ۷۰ سال است، جایز نیست؛

۴. اجرای مجازات اعدام برای زنان باردار و شیرده مگر بعد از دو سال از شیردهی، جایز نیست. مقایسه میان مفاد فوق از یک‌طرف و قوانین کیفری اسلام و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از طرف دیگر، الگوگیری سودان از موازین اسلامی را در موضوع مجازات اعدام، به‌خوبی نشان می‌دهد. باید اضافه نمود که جمهوری اسلامی ایران نیز در این مورد و البته همراه با ذکر برخی قیده‌ها، استثناء مشابهی را شناسایی کرده است. توضیح آنکه قانون‌گذار در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، مقرر داشته است که در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند. در راستای تفاوت گذاری مزبور برای مرتکبان بالغ کمتر از هجده سال، بهتر است بگوییم این ماده، شبهه در کمال عقل و عدم درک ماهیت و حرمت رفتار را مفروض دانسته است؛ زیرا در غیر این صورت یعنی اگر قائل به این باشیم که این موارد نیاز به اثبات دارند، دیگر امتیازی برای این افراد قائل نشدیم چراکه چه بسا بزرگ سالان نیز می‌توانند در صورت اثبات این موارد از مسئولیت رها گردند.^{۲۷} در صورت احراز شرایط ماده و وجود شبهه در هر یک از موارد رشد عقلی یا

^{۲۶} قانون اساسی آذربایجان، اصل ۲۶.

^{۲۷} رک به عنوان نمونه: میرمحمد صادقی، حقوق جزای عمومی (جلد دوم: مسئولیت کیفری)، دادگستر، ۱۴۰۰؛ مرعشی سید محمدحسن،

درک حرمت و ماهیت عمل، دادگاه می‌تواند هر یک از اقدامات ماده ۸۸ و ۸۹ را برای متهم تعیین نماید.^{۲۸} به نظر می‌رسد ماده فوق بر اساس فتوای فقهای متأخر نگارش یافته است که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

به نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، هرگاه جوانب مختلف مسئله از جمله نظر کارشناس معتمد در نظر گرفته شود و در مجموع شبهه از جهت عدم رشد کافی نسبت به این جرائم وجود داشته باشد تبدیل مجازات این گروه سنی به مجازات تعزیری مانعی ندارد. ایشان همچنین در خصوص سن مسئولیت کیفری این گونه فتوا داده‌اند که سن قانونی پسر و دختر از نظر اسلام همان است که در رساله‌ها آمده منتها برای شمول قوانین جزائی نسبت به نوجوانان کم سن و سال، لازم است حد نصاب رشد عقلی در زمینه مسائل جزائی احراز شود و اگر در مواردی مشکوک باشد، حدود و قصاص مشمول قاعده در آن است. آیت‌الله نوری همدانی نیز ناظر به این ماده این گونه نظر داده است که در صورتی که اشخاص گروه سنی مذکور در فوق، از لحاظ درک و رشد عقلانی در سطح پایین‌تری از افراد متعارف قرار دارند، قاضی می‌تواند و بلکه لازم است از اجرای مجازات حدی و قصاص درباره آنان صرف نظر کند و مجازات دیگری نسبت به آن معمول دارد ولی بر این اساس، معیار همان پایین بودن از سطح متعارف است نه سن و سال مخصوص آن. آنگاه چنین رویکردی هرچند یک رویکرد تسهیلگر و ارفاقی باید تلقی گردد، اما به این معنا نیست که خالی از برخی دشواری‌ها قلمداد شود. توضیح آنکه به اعتقاد برخی حقوقدانان، اختیار قضایی تفسیر رشد نوجوانان در ماده مزبور، گونه‌ای از اعطای حیات قضایی به سیاست جنایی تقنینی قلمداد می‌شود؛ عملکردی که ممکن است در رویکرد قضایی با چالش‌های عمده‌ای مواجه شود چراکه شایسته رشد نوجوانان و

حسین میرمحمد صادقی، علی حسین نجفی ابرندآبادی و قاسم محمدی، بزهکاری اطفال در حقوق ایران و لایحه قضائی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۴.

^{۲۸} به‌عنوان نمونه رک: امین فلاح خاریکی و حسن حاجیتبار فیروزجائی، «جایگاه رشد جزایی در مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه و حقوق ایران»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۷۱ (زمستان ۱۴۰۲)، صص ۱۴۴ و ۱۶۱؛ مصدق، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی، (تهران: جنگل، ۱۳۹۲).

^{۲۹} عباس زراعت، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، ققنوس، ۱۳۹۲، ص ۱۷۳.

^{۳۰} نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، در: نیازپور، امیرحسن (به کوشش)، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، (تهران: میزان، ۱۳۹۶)،

عدم آن به عنوان شرط مسئولیت کیفری آنها، در رویه قضایی با چالش‌هایی روبه‌رو است و پرداختن به راه‌حل‌های مرتبط نیز ضرورت تبیین سقوط مجازات مستوجب حد و قصاص از یک سو و تشریفات دادرسی شکلی از سوی دیگر را در آن ایجاب می‌کند.

علاوه بر استثناء مزبور، نکته حائز اهمیت دیگر، جنبه ارفاقی بیشتر اسلام در خصوص زنان باردار و شیرده است زیرا درحالی که محدودیت زمانی اعدام برای زنان باردار از نظر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تا زمان وضع حمل است، از نظر اسلام این محدودیت به موجب آیه شریفه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ»^{۳۱} گه می‌فرماید: مادران، فرزندان را دو سال تمام، شیر می‌دهند، تا زمانی است که زندگی فرزند وابسته به مادر باشد. از نظر احکام کیفری اسلام نه تنها اعدام بلکه اجرای هیچ حدی از حدود الهی بر زن حامله تا زمانی که جنین متولد نشده است، جایز نیست، اعم از این که زن حامله قاتل یا مستحق حدّ زنا، یا شرب خمر، و یا سایر حدود الهی و یا مشمول تعزیرات باشد، و اعم از این که بارداری او مشروع یا نامشروع باشد. این امر مورد اتفاق فقها است؛^{۳۲} و مستند آن، وجود روایات از جمله این روایت است: مطابق نقل شیخ مفید در کتاب الارشاد از طریق شیعه و اهل سنت، زن حامله‌ای را نزد خلیفه دوم آوردند که مرتکب زنا شده بود، خلیفه فرمان به رجم او داد، علی علیه‌السلام فرمود: از اجرای این حکم دست نگه‌دار، مادر مجرم است، ولی جنینی که در شکم دارد بی‌گناه است. (هَبْ لَكَ سَبِيلُ عَلَيْهَا، اَيُّ سَبِيلٍ لَكَ عَلَيَّ مَا فِي بَطْنِهَا؟)، خدا می‌فرماید: هیچ‌کس گناه دیگری را بدوش نمی‌کشد. عمر با شنیدن این سخن گفت: هیچ مشکلی نیست، مگر این که ابوالحسن آن را رفع می‌نماید، سپس پرسید در این قضیه چه باید کرد؟ علی علیه‌السلام فرمود: اجرای حکم را به تأخیر بینداز تا جنین متولد شود و پس از تولد و بعد از آن که فردی کفالت فرزندش را متعهد گردید، بر او اجرای حدّ نما. ^{۳۳} این دیدگاه فقهی در ماده ۴۳۷ قانون مجازات اسلامی بدین صورت منعکس شده است: «زن حامله، که محکوم به قصاص نفس است، نباید پیش از وضع حمل قصاص شود. اگر پس از وضع حمل نیز بیم تلف طفل باشد، تا زمانی که حیات طفل محفوظ بماند، قصاص به تأخیر می‌افتد».

همسویی برخی کشورهای اسلامی با رویکردهای بین‌المللی در خصوص مجازات اعدام بیشتر قابل

^{۳۱} سوره بقره: ۲۳۳

^{۳۲} زین‌الدین بن علی عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۱۵، (قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱، ۱۳۸۱)، ص ۲۵۲.

^{۳۳} محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، (قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق)، ص ۲۰۴.

مشاهده است. به موجب اصل ۱۵ قانون اساسی ترکیه «در شرایط جنگ، بسیج عمومی، حکومت نظامی و حالت فوق العاده، بارعایت تعهدات ناشی از حقوق بین الملل می توان حقوق و آزادی های اشخاص را کلاً یا جزئاً متوقف ساخت. این توقف و تحدید شامل حق حیات، موجودیت مادی و معنوی نمی شود». به نظر می رسد الگو گیری قانون اساسی ترکیه در خصوص مجازات اعدام از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی کاملاً روشن است چراکه نه تنها در شرایط عادی و معمول، بلکه در شرایط استثنائی نیز اجرای مجازات اعدام را به نحو مطلق یعنی حتی با فرض وجود شرایط جواز آن از لحاظ شرعی در تمام شرایط عادی و استثنائی ممنوع اعلام کرده است؛ به ویژه آن که این کشور در تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا به دنبال هم سان سازی قوانین داخلی خود با قوانین این اتحادیه نیز می باشد.

کشورهایی چون آلبانی و ازبکستان، مجازات اعدام را برای همه جرائم لغو کرده اند. ماده ۵۴۹ قانون مجازات لبنان هر چند بر اجرای حکم اعدام در حق مرتکبان قتل عمد و اقدامات تروریستی تصریح دارد، اما بسیاری از احکام صادر شده به دلایل مختلف به مرحله اجرا نمی رسند. این امر با رویکرد قانون اساسی لبنان همسویی دارد زیرا بند ب مقدمه این قانون تصریح می کند که «لبنان از اعضای بنیان گذار و فعال سازمان ملل متحد است و به کنوانسیون های آن و بیانیه جهانی حقوق بشر پایبند می باشد. دولت لبنان اصول مزبور را در کلیه زمینه و عرصه ها بدون هیچ استثنائی به مورد اجرا می گذارد». به نظر می رسد چنین رویکردی سبب عدم اجرای حکم اعدام در این کشور شده است به ویژه آن که قانون اساسی این کشور به واگرایی دین و دولت تمایل نشان داده است.

برخی کشورهای دیگر، در رویکردی تقریباً همگرا اما نه با لغو مجازات اعدام، بلکه با ایجاد امکان جایگزین کردن با مجازات دیگر، به سمت کاهش تعداد اعدام ها در کشور خود حرکت کرده اند. به عنوان نمونه، اندونزی یکی از کشورهایی است که مجازات اعدام را در نظام حقوقی خود برای برخی جرائم مانند قتل از ابتدای تشکیل جمهوری شناسایی کرده است؛ در سال ۲۰۰۷ میلادی نیز با اکثریت آراء اعضاء دادگاه قانون اساسی، تعمیم آن را برای جرائم مواد مخدر، موافق قانون اساسی عنوان نمود و آن را به اجرا گذاشت.^۳ علاوه بر این نیز، فهرست نسبتاً پرشماری از جرائم را در قانون مجازات خود و برخی دیگر از قوانین مانند قوانین جرائم نظامی و یا اقتصادی مشمول

³ "Decision No. 2-3/PUU-V/2007". 30 October 2007. Available at: <http://www.mahkamahkonstitusi.go.id>

مجازات اعدام دانسته است که از همکاری در بهره‌گیری از کودکان برای جرائم مواد مخدر^{۳۵} تلاش برای جنایت علیه بشریت را شامل می‌گردند؛^{۳۶} با وجود این، قانون جزایی جدید ۲۰۲۳ اندونزی، امکان تغییر مجازات اعدام به حبس را فراهم ساخت. ماده ۱۰۰ این قانون، قاضی را موظف کرده است که با توجه به پشیمانی مجرم و نقش او در ارتکاب جرم به مدت ۱۰ سال همراه با حکم اعدام، مهلت آزمایشی اعطا کند. پس از ۱۰ سال مجازات وی می‌تواند به حبس ابد تبدیل شود. همچنین اگر پس از گذشت ۱۰ سال از رد شدن پیشنهاد عفو مجرم توسط رئیس‌جمهور، مجازات اعدام اجرا نشود، مجازات وی به حبس ابد تبدیل می‌شود.^{۳۷}

رویکرد کاستن از میزان اجرای مجازات اعدام نیز یکی دیگر از جهت‌گیری‌هایی است که در میان برخی کشورهای اسلامی قابل شناسایی است. به‌عنوان مثال، کشور مراکش با وجود آنکه نظام حقوقی ناظر به کیفر اعدام را در قوانین جزای خود تغییر نداده است و همچنان آن را به رسمیت می‌شناسد، اما با برخی اقدامات دیگر مانند تنظیم لوایح خاص، کاستن از تعداد این مجازات را هدف خود قرار داده است.^{۳۸} اگر همین راستا از کشور الجزایر نیز می‌توان نام برد که ضمن به رسمیت شناختن مجازات اعدام در قانون کیفری خود (ماده ۲۷)، آن را از سال ۱۹۹۳ تا کنون اجرا نکرده است و بدین سبب نیز در کنار کشورهایمانند تونس، جزء کشورهای الغاء کننده اعدام در عمل^{۳۹} به شمار می‌رود.^{۴۰}

جمهوری آذربایجان اما در نظام حقوقی خود، رویکردی متفاوت‌تر اتخاذ کرده است؛ چراکه در بند ۳

³ Law No. 23/2002 on Children Protection

³ Law No. 26/2000 on Human Rights Courts

³ Indonesia: New Criminal Code Passed by Parliament; available at: <https://www.loc.gov/item/global-legal-monitor/2022-12-11/indonesia-new-criminal-code-passed-by-parliament/>

³ Mustafa ramid, The Minister of Justice and Liberties (PJD government), <https://www.pjd.ma/media/47256.html>

³ Abolitionist in Practice ⁹

⁴ The death penalty in the Middle East and North Africa, European Parliament, 04 December 2012, p 491-493.

اصل ۲۷، آن را این گونه به رسمیت شناخته است: «مجازات اعدام تا زمانی که به طور کامل لغو نشده باشد، ممکن است توسط قانون به عنوان مجازات انحصاری فقط برای جنایات شدید علیه دولت یا علیه جان و سلامت یک انسان تعیین شود». همان گونه که از اصل مزبور هویداست، قانون گذار اساسی، ضمن به رسمیت شناختن آن، امکان لغو آن را نیز فراهم کرده است تا حکومت در شرایطی که آن را به مصلحت تشخیص می دهد، بتواند آن را ملغی نماید. به عبارت دیگر، زبان قانون اساسی در این اصل، پیش فرض انگاشتن ملغی شدن آن و یا به تعبیری تشویق برای آن است. در عمل نیز آذربایجان از دو سال پیش از تصویب قانون اساسی، یعنی سال ۱۹۹۳ مبادرت به اعدام نکرده است و در نهایت با ملحق شدن به پروتکل شماره ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۲۰۰۱ میلادی، مجازات اعدام در این کشور لغو گردید و حبس ابد جایگزین آن شد.^{۴۱}

در میان کشورهای اسلامی، بحرین نیز رویکرد خاصی را در این مورد اتخاذ کرده است که فارغ از نحوه عملکرد دستگاه قضاء، نشان از اهمیت فوق العاده موضوع برای قانون گذار عادی آن دارد؛ زیرا اجرای حکم اعدام صرفاً ناشی از رأی قضات نیست و شرط اجرای آن، موافقت عالی ترین مقام حکومت است. ماده ۵۱ قانون مجازات بحرین، این گونه مقرر می دارد که هیچ حکم اعدامی به اجرا گذارده نمی شود مگر پس از آنکه امیر بحرین با آن موافقت نماید.

نتیجه گیری

۱. گفتمان حقوق بشر در کشورهای اسلامی و نوع نگرش ایجابی یا سلبی به آن، تأثیر مستقیمی بر حقوق اساسی این کشورها در همه مقولات از جمله مقوله حق بر حیات و لوازم آن مانند «مجازات اعدام» داشته است.
۲. پیوند میان مفاهیم حقوق بشر عرفی و موازین شرعی و نوع مواجهه با آنها از سوی کشورهای اسلامی، نسبت مستقیمی با رابطه دین و دولت دارد. دوگانه عرف و شرع در مقوله حق حیات در قوانین اساسی و قانون مجازات کشورهای اسلامی، بازتاب های متفاوتی داشته است. ایران، عربستان، پاکستان، سودان، الجزایر و در تازه ترین مورد کشور تونس، با الگوی همگرایی دین و دولت، آثار مترتب بر آن را در قانون اساسی خود، بازتاب داده اند.

⁴ Council of Europe, <https://www.coe.int/en/web/portal/azerbaijan>

۳. الگو گیری و تأثیرپذیری کشورهای اسلامی در خصوص موارد سالب حق بر حیات و به‌ویژه اعدام، هرچند تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست همگرایی یا واگرایی دین و دولت بوده است اما این تأثیرپذیری مطلق نبوده و تجویز یا عدم تجویز مجازات اعدام در این کشورها وابستگی تامی به آن نداشته است؛ به رسمیت شناختن مجازات اعدام در برخی کشورهای اسلامی سکولار مانند آذربایجان، نیجریه و مالزی شاهد روشنی بر این مدعا است.

۴. به نظر می‌رسد در خصوص مجازات اعدام درحالی‌که رویکردهای انبساطی و افراطی (تجویز حداکثری) از یک سو و رویکردهای انقباضی و تفریطی (ممنوعیت حداکثری) از سوی دیگر، در برابر هم صفا‌آرایی کرده‌اند، به‌طور کلی الگوبرداری‌های کشورهای اسلامی سکولار از رویکردهای عرفی به حقوق بشر، بیشتر و با تعابیری صریح‌تر از الگوبرداری‌های کشورهای اسلامی غیر سکولار است.

۵. مراحل سه‌گانه تدوین، توسعه و تحول حقوق بشر همانند سایر کشورها در کشورهای اسلامی نیز مشهود است هرچند تحقق این فرایندها یکنواخت نبوده و نوعاً با دغدغه‌های اسلامی همراه بوده است. در مقایسه با میزان تأثیرگذاری اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر کشورهای اسلامی، تأثیرپذیری و الگو گیری از اعلامیه اسلامی حقوق بشر، کم‌فروغ‌تر بوده، و با توجه به رویکرد جدید سازمان همکاری اسلامی و تغییر نام اعلامیه اسلامی حقوق بشر به اعلامیه حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی و تغییر در مفاد برخی مواد آن، به احتمال زیاد، تغییر موضع کشورهای اسلامی با هدف هماهنگی بیشتر با اسناد بین‌المللی، بسیار محتمل است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

کتاب‌ها و مقالات

۱. زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، (تهران: ققنوس، ۱۳۹۲).
۲. صادقی، میرمحمد، حقوق جزای عمومی (جلد دوم: مسئولیت کیفری)، (تهران، دادگستر، ۱۴۰۰).
۳. مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی م. صوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی، (تهران: جنگل، ۱۳۹۲).
۴. عاملی، زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۱۵، (قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چ اول، ۱۳۸۱).
۵. محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، (قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق).
۶. مرعشی سید محمدحسن، حسین میرمحمدصادقی، علی حسین نجفی ابرندآبادی و قاسم محمدی، «بزهکاری اطفال در حقوق ایران و لایحه قضائی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان»، مجله حقوقی دادگستری، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۴.
۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، در: نیازپور، امیرحسن (به کوشش)، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶).
۸. فلاح خاریکی، امین و حاجیتبار فیروزجائی، حسن، «جایگاه رشد جزایی در مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه و حقوق ایران»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۷۱ (زمستان ۱۴۰۲).

اعلامیه‌ها و قوانین

۱. اعلامیه اسلامی حقوق بشر، مصوب ۱۹۹۱.

٢. اعلاميه جهانى حقوق بشر، مصوب ١٩٤٨.
٣. اعلاميه حقوق بشر سازمان همكارى اسلامى، مصوب نوامبر سال ٢٠٢٠.
٤. دُستور الأردن، عام ١٩٥٢.
٥. دُستور الإمارات العربية المتحدة، عام ١٩٧١.
٦. الدُستور البناني، المعدل عام ٢٠٠٤.
٧. دُستور الجمهوريه الجزائريه الديمقراطيه الشعبيه، عام ٢٠٢٠.
٨. الدُستور العماني، عام ٢٠٢١.
٩. دُستور المملكه العربيه السعوديه عام ١٩٩٢.
١٠. دُستور تونس، عام ٢٠٢٢.
١١. دُستور جمهوريه العراق، عام ٢٠٠٥.
١٢. دُستور دولة الكويت، عام ١٩٦٢.
١٣. دُستور دولة قطر، عام ٢٠٠٤.
١٤. دُستور سوريا (الجمهوريه العربيه السوريه)، عام ٢٠١٢.
١٥. دُستور مملكه البحرين، عام ٢٠٠٢.
١٦. قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران، ١٣٥٧.
١٧. قانون اساسى جمهورى اسلامى پاكستان، ٢٠١٥.
١٨. قانون اساسى جمهورى تركيه، ١٩٨٢.
١٩. قانون العقوبات الاردنى، مع التعديلات عام ٢٠٢٣.
٢٠. قانون العقوبات البحريني، عام ١٩٧٦.
٢١. قانون العقوبات الجزائرى، عام ١٩٦٠.
٢٢. قانون العقوبات السورى عام ١٩٤٩ المعدل بـ المرسوم التشريعى ١ عام ٢٠١١.
٢٣. قانون العقوبات العراقي، عام ١٩٦٩.
٢٤. قانون العقوبات اللبناني، المعدل عام ١٩٨٣.
٢٥. قانون العقوبات المصرى، عام ١٩٣٧.
٢٦. قانون مجازات اسلامى، مصوب ١٣٩٢.
٢٧. ليبيا، الاعلان الدُستورى عام ١٤٣٣ / ٢٠١٢.

٢٨. ميثاق بين المللى حقوق مدنى و سياسى، سال ١٩٧٦.
٢٩. ميثاق منظمة التعاون الاسلامى، عام ١٩٧٤.
٣٠. الوثيقة الدستورية السودانية، للفترة الانتقالية لسنة ٢٠١٩.

English

31. Albania's Constitution of 29 April 1991.
32. Azərbaycan konstitusiyas'2009.
33. General comment No. 36 (2018) on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the right to life.
34. Indonesia's Constitution of 1945, Reinstated in 1959, with Amendments through 2002
35. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)' 1966.
36. Law No. 23/2002 on Children Protection, Indonesia
37. Law No. 26/2000 on Human Rights Courts, Indonesia
38. Malaysia's Constitution of 1957 with Amendments through 2007.
39. Morocco's Constitution of 2011.
40. New Criminal Code Passed by Parliament; available at:
<https://www.loc.gov/item/global-legal-monitor/2022-12-11/indonesia-new-criminal-code-passed-by-parliament/>
41. Nigeria's Constitution of 1999 with Amendments through 2011.
42. O'ZBEKISTON RESPUBLIKASINING KONSTITUTSIYASI,2017.
43. The death penalty in the Middle East and North Africa, European Parliament, 04 December 2012
44. The Universal Declaration of Human Rights (UDHR) 1948 by the United Nations General Assembly.

وبگاهها

45. www.coe.int/en/web/portal/azerbaijan
46. www.mahkamahkonstitusi.go.id
47. www.makarem.ir

48. www.noorihamedani.ir
49. www.pjd.ma/media/47256.html